

ذره‌بین

سرفت صبحگاهی در متروی تهران

یکی از قدیمی‌ترین سارقان حرفه‌ای تهران که در نخستین ساعات شروع کار مترو دست به جیب‌بری می‌زد، دستگیر شد. چندی قبل پرونده‌های سرقت به شیوه جیب‌بری در نخستین ساعات شروع کار متروی تهران به پلیس مخابره شد که با توجه به افزایش این سرقت‌ها تیم ویژه‌ای از مأموران برای دستگیری عامل این سرقت‌ها وارد عمل شدند.

مأموران در ابتدا محل‌هایی را که سارق سحرخیز با حضور در ایستگاه‌های مترو دست به سرقت می‌زد، تحت نظر قرار دادند و به صورت نامحسوس تردد شهروندان را زیر نظر داشتند. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه سحرگاه روز یکشنبه مأموران موفق به دستگیری سارق قدیمی در حین سرقت در مترو شدند. متهم که مردی شصت‌ساله است بارها به خاطر سرقت دستگیر شده و به زندان رفته است و هر بار بعد از آزادی دست به جیب‌بری در محل‌های شلوغ می‌زند که در تحقیقات ابتدایی ۵ اتان‌مالباختگان شناسایی شدند. متهم که از قدیمی‌ترین سارقان پایتخت است برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

رئیس پلیس مترو تهران با اعلام این خبر گفت: «شهروندان در زمان سوارشدن بر قطارهای مترو مراقب گوشی‌های موبایل خود باشند و زمانی که گوشی‌هایشان را داخل جیب یا کیف گذاشتند، دست‌شان را روی آن بگذارند تا جیب برها موفق به اجرای کارشان نشوند.» شهروندان برای خرید آخر سال در زمان سوارشدن به مترو از همراه داشتن پول نقد خودداری کنند و در زمان خرید در داخل فروشگاه‌های داخل مترو و اطراف آن نیز مراقب بانکی‌شان را خودشان وارد کنند و به هیچ عنوان رمز کارت‌شان را روی کارت بانکی یادداشت نکنند؛ زیرا جیب‌بر و سارقان در روزهای پایانی سال با سوءاستفاده از شلوغی مترو و اماکن شلوغ دست به سرقت می‌زنند. شهروندان در زمان خرید حتماً از کارت‌های عابریانک استفاده و از همراه داشتن وجه نقد خودداری کنند. □

پایان مأموریت‌های قلابی یک تبهکار

یک مأمور قلابی که در گیلان قرب‌اخذای می‌کرد، دستگیر شد. پس از تماس یک شهروند گیلان‌غربی مبنی بر حضور مردی مشکوک در یکی از روستاهای شهرستان که خود را مأمور پلیس معرفی و بارها به بهانه‌های مختلف از شهروندان پول دریافت کرده است، رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. کارآگاهان پلیس آگاهی با حضور در روستا به تحقیق پرداخته و پس از کسب مجوز قضائی نسبت به بازسی از محل سکونت فردی که خود را مأمور پلیس معرفی کرده بود، اقدام کردند. علاوه بر دستگیری این فرد، ۲ دستگاه بی‌سیم، ۲ عدد شوکر، یک عدد اسپری و یک قبضه کلت فلزی تقلبی کشف شد. □

مرگ در هنگام آب‌دادن به گل‌ها

مردی پنجاه‌وشش ساله به علت بی‌توجهی هنگام آب‌دادن به گل‌ها در بالکن طبقه دوم منزلش در شهرستان شازند سقوط کرد و جان خود را از دست داد. در پی اعلام گزارشی به مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر سقوط فردی از بالکن خانه‌اش در یکی از محله‌های شهرستان شازند فوت او، بلافاصله تیم‌های امداد و انتظامی به محل اعزام شدند. با حضور تیم‌گشت انتظامی در محل و بنا بر اظهارات همسر مرد جانباخته مشخص شد که این مرد هنگام آب‌دادن به گل‌ها از بالکن خانه‌اش در طبقه دوم مجتمعی مسکونی سقوط کرده و جان خود را از دست داده است. جسد قربانی به سردخانه انتقال یافت و در این خصوص پرونده‌ای تشکیل شده و در حال سیر مراحل قانونی است. □

مسمومیت ۱۰ نفر در تبریز

مونوکسیدکربن متصاعدشده از بخاری در خانای در شهرک باغ‌میشه ۱۰ نفر را راهی بیمارستان کرد. چهار دستگاه آمبولانس اورژانس این مسمومان را به بیمارستان سینای تبریز منتقل کرد. علایم مسمومیت با مونوکسیدکربن شامل سردرد، سرگیجه، تهوع، درد بدن و در صورت اقدام نکردن به موقع مرگ است. چک کردن لوله بخاری و اطمینان از وجود کلاهک دودکش برای پیشگیری از گاز گرفتگی ضروری است. □



گفت‌وگوی «شهروند» با خانواده قربانیان حادثه دنا در دومین سال مرگشان

فراموش شدگان پرواز ۳۷۰۴

سیما فراهانی [کلید را از روی در بر می‌دارد و بعد به خواب می‌رود. به امید اینکه نیمه‌های شب صدای چرخیدن کلید روی در او را از خواب بیدار کند، در باز شود و پسرش را در چارچوب ببیند. این کار هر شب مادر داغ‌دیده است. مادری که قله‌های برفی دنا پسرش را به او پس نداد. دو سال از آن صبح شوم می‌گذرد؛ اما هنوز هم مرگ پسرش را باور نکرده و روزها و شب‌ها به انتظار می‌نشیند. این تنها بخشی از مصیبت‌های خانواده مسافران ۳۷۰۴ است؛ خانواده‌هایی که هنوز هم داغدار هستند. از آن بیست‌ونهم بهمن سال ۹۶، آن یکشنبه غم‌انگیز دو سال می‌گذرد اما داغ دل خانواده مسافران این پرواز همچنان تازه است. دل‌تنگی و اه‌آهی است که امان این خانواده‌ها را بریده؛ خانواده‌هایی که قله‌های یخ‌زده دنا عزیزان‌شان را در خود جای داد. حالا مجازات مقصران این حادثه تنها خواسته این خانواده‌هاست. دو سال می‌گذرد اما هنوز هم اکثر آنان دیه دریافت نکرده‌اند؛ چون پول نمی‌خواهند فقط مجازات می‌خواهند. تنها چیزی که شاید از دردشان کم کند، همین است. برای همین با جدیت به دنبال پرونده هستند. پرونده‌ای که در آن کارشناسان مقصران را اعلام کرده‌اند و همه منتظر نظر قاضی دادگاه هستند. ۴۵ درصد شرکت هواپیمایی آسمان، ۴۰ درصد سازمان هواپیمایی کشور و ۵ درصد هم تیم پروازی در این حادثه مقصر شناخته شده‌اند؛ ولی هنوز حکمی از سوی دادگاه صادر نشده است.

هواپیمای ای‌تی‌آر ۷۲ شرکت هواپیمایی آسمان ۵۰ دقیقه پس از برخاستن از فرودگاه مهرآباد در قله پازن پیرکوه دنا و در نزدیکی روستای کهنگان از توابع پادنا به کوه برخورد کرد. شرایط جوی محل حادثه و بارش سنگین برف به حدی بود که حتی پیدا کردن لاشه هواپیما ساعت‌ها به طول انجامید. چهار ماه از حادثه گذشت تا اینکه پیکر تمام سرنشینان کشف و تحویل خانواده‌ها شد. حالا با اینکه دو سال از این ماجرای تلخ می‌گذرد، ولی حال هیچ‌کدام از خانواده‌ها خوب نیست. فقط خودشان می‌دانند که چه دردی را تحمل می‌کنند. برای همین با ساختن یک گروه تلگرامی هرگزگاهی به هم دل‌داری می‌دهند و با هم همدردی می‌کنند؛ هر سانحه هوایی یا حتی زمینی داغ‌شان را تازه‌تر می‌کند. از فراموش شدن گله دارند، با این حال با جدیت پرونده را پیگیری می‌کنند و خواستار مجازات هستند.

با به پای خانواده‌های پرواز اوکراین اشک ریختیم

امید انصاری برادر افشین انصاری است. مردی که جزو مسافران این پرواز بود. امید انصاری با توصیف حال بد خانواده‌های داغدار به خبرنگار ما می‌گوید: «ما خانواده‌ها در این مدت همیشه با هم در ارتباط بودیم. هیچ‌کدام حال خوبی نداریم. هرکس به یک نحوی هنوز هم عذاب می‌کشد. مادری که شب‌ها کلید را از روی در برمی‌دارد تا پسرش برگردد، پدر صبح و ظهر و شب سر خاک دخترش می‌رود، خانواده‌ای که کوله‌بارشان را جمع کرده‌اند و نزدیک مزار عزیزشان خانه گرفته‌اند تا بتوانند هر روز سر خاک بروند. ما هم حال و روز خوبی نداریم. برادرم پذیرش دکتری حقوق و مدیر حقوقی صندوق کارآفرینی امید استان کهگیلویه و بویراحمد بود. از او دو دختر هفت و سیزده ساله به یادگار مانده؛ آن‌اشید و آرشیدا. با اینکه مادرشان آنها را پیش مشاور می‌برد و در این مدت تمام تلاشش را کرد تا نبود پدرشان آنها را عذاب ندهد، اما هنوز هم آرشیدا به من می‌گوید امروز عجیب دلم هوای پدرم را کرده است. هرگزگاهی اشک در چشمانش حلقه می‌زند و می‌گوید کاش پدرم الان کنارم بود و در آغوشم می‌گرفتم. من در این مدت پیرشدن برادرم و خردشدن پدر و مادرم را به چشم دیدم. حال‌شان به جای اینکه بهتر شود بدتر می‌شود و این همه‌مان را عذاب می‌دهد.»

افشین یک ساعت پیش از پرواز به همکارانش اعلام کرده بود که وضع هوا بد و ممکن است پرواز کنسل شود. با این حال آن پرواز لغو نشد و این همه خانواده عذاب شدند. امید انصاری این جمله‌ها را با بغض می‌گوید: «کاش پرواز کنسل شده بود. اینکه هنوز هم نمی‌دانیم دقیقاً مقصر کیست و چه مجازاتی در انتظارش است، واقعا برایمان سخت است. با اینکه کارشناسان نظر خود را اعلام کرده‌اند و درصد مقصران را مشخص کرده‌اند، ولی دادگاه هنوز رأی خود را صادر نکرده است. ما جزو خانواده‌هایی بودیم که دیه نگرفتیم؛ چون واقعا پول برایمان اهمیت ندارد. چند خانواده دیگر هم همین‌طور بودند. ما فقط موضوع قضائی برایمان اهمیت دارد و اینکه نتیجه چه می‌شود. برای همین اصلا به دنبال دیه نرفتیم؛ ولی آنهايي دنبالش بودند که گویا ديه

را دریافت کرده‌اند.»

سانحه هواپیمای اوکراین تکرار خاطرات تلخ خانواده مسافران یاسوج بود؛ خاطراتی که یادآوری‌اش درست به اندازه همان روز، همه آنها را عذاب می‌دهد. روز سقوط هواپیمای اوکراین برای این خانواده روز درد بود: «درد ما مثل خاکستری بود که کمی خاموش شده بود؛ اما این سانحه مثل یک باد دوباره آتش را شعله‌ور کرد. با دیدن فیلم‌ها و صحبت‌های تک تک این خانواده‌ها، همان‌قدر اشک ریختیم که روز حادثه سقوط هواپیمای یاسوج گریه کردیم. امیدوارم خدا به همه آن خانواده‌ها صبر بدهد تا بتوانند این داغ عظیم را تحمل کنند؛ چون این درد واقعا بزرگ است و به همین راحتی فراموش نمی‌شود. اینکه فراموش شده‌ایم هم برایمان یک غم دیگر است. هیچ‌کس یادی از ما نمی‌کند. فقط آقای دکتر رخشنده‌مند از سال پیش به دنبال تک تک خانواده‌های پرواز یاسوج گشت و از همه ما خاطراتی از عزیزان دست‌رفته‌مان جمع‌آوری کرد و قرار است این کتاب تا آخر امسال رونمایی شود.»

پروازی که همیشه نامن بود

نمی‌دانست دخترش با این پرواز قرار است به یاسوج برگردد. از این پرواز خوشش نمی‌آمد. هر بار که با این پرواز سفر کرده بود، احساس ناامنی او را آزار می‌داد. برای همین از دخترش خواسته بود که با این پرواز سفر نکند، اما بعد از سقوط تلخ متوجه شد که نام دخترش در لیست قربانی‌ها قرار دارد. دختر نظری حالا دو سال است که داغدار دختر سی‌ویک ساله‌اش است. دختری که برای دیدن خواهرش به تهران رفت و هنگام برگشت به خانه دچار حادثه شد؛ «دو سه بار خودم و یکی دوبار هم با دخترم با این پرواز سفر کرده بودیم. هر بار هم احساس ناامنی می‌کردیم. برای همین به مژگان گفتم با این پرواز برنگرد. نمی‌دانم چرا دوباره با همین پرواز برگشته بود. من خبر نداشتم. وقتی متوجه شدم، خیلی شوکه بودم. هنوز هم باورم نمی‌شود که دخترم را به همین راحتی از دست داده‌ام، دختر تحصیلکرده‌ام که قرار بود بسیار موفق باشد. او دکترای فیزیولوژی داشت و همیشه در حال تحصیل بود. اهداف زیادی داشت که همه آنها را در قله دنا جا گذاشت. ما هم جزو خانواده‌هایی بودیم که دیه نگرفتیم. من به دیه دخترم نیاز ندارم. فقط به مجازات مقصر مرگ او نیاز دارم تا شاید کمی از این درد جانکاه‌مان کم شود. حال هیچ‌کدام از اعضای خانواده خوب نیست. مسلما هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود. شاید سال‌ها بگذرد و کمی از غم و ناراحتی‌مان کمتر شود ولی این مسأله هرگز از یادمان نمی‌رود.»

همه امیدمان به قوه قضائیه است

همه چیز به دست فراموشی سپرده شد. کسی یادی از ما نکرد. فقط خودمان هستیم که به هم دل‌داری می‌دهیم؛ شاید کمی از درمان تسکین پیدا کنند. اینها را عنایت امید یور، برادر جلال‌الدین به خبرنگار ما می‌گوید: «من در همان روز وقوع حادثه خودم را به محل رساندم. نه تنها برای پیکر برادرم بلکه تا آخرین پیکری که پزشک قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد تحویل خانواده‌اش داد، آنجا را رها نکردم و از روز نخست حادثه تا پایان عملیات جست‌وجو و انتقال پیکرهای جانباختگان در شهرستان دنا حضور داشتم. روزهای خیلی بدی بود. هنوز هم از یادمان نرفته. برادرم بیست‌وپنج ساله بود و لیسانس برق داشت. آن روز برای دیدن مادرم از تهران به یاسوج می‌رفت. مادرم بیمار شده بود. برادرم در تهران زندگی می‌کرد. وقتی شنید مادرم مریض است، گفت سریع خودش را می‌رساند. اما هرگز رسید و نتوانست مادر را ببیند. یک ساعت پیش از پرواز به مادرم گفته بود، نگران نباش من دارم پرواز می‌کنم و می‌آیم. یادآوری این لحظات واقعا حال‌مان را بد می‌کند. برادرم در تهران دانشجو بود و در بیمارستان هم کار می‌کرد. چون در شهرستان یاسوج به خاک سپرده شد، برای آرام‌شدن به شهرستان می‌روم. جای خالی او برای من و خانواده خصوصاً پدر و مادر پیرم خیلی سخت و خالی است. ما هم هنوز دیه نگرفتیم. نخستین چیزی که برایمان اهمیت دارد، برخورد با مقصران این حادثه است. انتظار ما این است که با جدیت و شدت با مقصران برخورد شود تا دوباره شاهد این اتفاقات نباشیم. درد ما وقتی مداوا می‌شود که مجازات مقصران را ببینیم. برای همین تنها امیدمان به قوه قضائیه است. با هر سانحه هوایی و جاده‌ای و قطار و اتوبوس دانشگاه آزاد روزهای سخت برایمان تداعی می‌شود و این عذاب‌مان می‌دهد. کاش کسی به فکر ما باشد و کمی از درد ما کم کند.» □

مکت



تشکیل پرونده قضایی

برای کودک کشته شده میبیدی

دادستانی میبد در پی کشته‌شدن کودک هشت ساله به وسیله سگ‌های ولگرد پیامی صادر کرد. در پی حادثه دلخراش مرگ کودک تبعه افغانی به دلیل حمله و وردن سگ‌های ولگرد، با وصول گزارش، دادستان شخصا در محل حادثه حاضر و مشاهده کرد که محل در فاصله ۱۰ کیلومتری از شهر و به‌عنوان جایگاه تخلیه نخاله‌های ساختمانی بوده که کودک جانباخته برای جمع‌آوری ضایعات به محل رفته و از طرف دیگر رهاسازی غیراصولی لاشه‌های تلف‌شده احشام نیز منجر به این موضوع شده بود که حیوانات وحشی و سگ‌ها در آنجا جمع شوند و با حمله‌ور شدن به این پسر بی‌چهارده‌ساله این حادثه رخ داده بود. در حال حاضر با تشکیل پرونده قضائی بحث قصور احتمالی در ساماندهی محل نگهداری سگ‌های ولگرد، بکارگیری اطفال در امر جمع‌آوری ضایعات در محلی خارج از محدوده شهری و نیز سایر عوامل موثر در دفع غیراصولی لاشه حیوانات تلف‌شده که منجر به جمع سگ‌های ولگرد در محل حادثه شده است، در حال بررسی است و با افراد خاطی برخورد قضائی خواهد شد. □

شروع و قاتل مسلح

تحت تعقیب در زاهدان به دام افتاد

با تلاش و پیگیری کارآگاهان پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان شروع قاتل مسلح تحت تعقیب در زاهدان به دام افتاد. در پی اخبار واصله مبنی بر اینکه قاتل و سارق مسلح فراری و تحت تعقیب مراجع قضائی استان از طریق مرزهای شرقی وارد کشور شده است، موضوع دستگیری او به صورت ویژه در دستور کار اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی استان قرار گرفت. این شروع تحت تعقیب با هدایت و رهبری چند باند حرفه‌ای سرقت، چندین سرقت مسلحانه خودروو احشام را در سطح استان مرتکب شده بود و علاوه بر به قتل رساندن یک چوپان در حین ارتکاب به یک سرقت مسلحانه احشام، در درگیری مسلحانه با مأموران نیروی انتظامی نیز یکی از مأموران جان برکف ناجا را با شلیک گلوله مجروح کرده بود. کارآگاهان پلیس آگاهی از همان آغاز فعالیت مجرمانه این فرد درصد دستگیری او بودند ولی این شروع به محض اطلاع از تحت تعقیب بودنش به کوشش ایستانتوازی شده بود. تلاش مأموران برای دستگیری این شروع بیست‌وشش ساله ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل اخباری مبنی بر حضور مجدد او در سطح استان و اختفایش در شهرستان زاهدان به دست آمد. پس از وصول این خبر، بلافاصله تیمی از مأموران مجرب پلیس آگاهی استان با انجام اقدامات تخصصی موفق شدند مخفیگاه این شروع مسلح را در یکی از محلات شهر زاهدان شناسایی کنند. سرانجام صبح دوشنبه مأموران در یک عملیات ضربتی باور و دبه مخفیگاه این شروع موفق شدند او را به همراه یکی از همدستانش دستگیر کنند. این شروع مسلح و همدستش با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند. □

یک زن

همه‌کاره باند مخوف زورگیری بود

چهار مرد و یک زن که به بهانه تأمین محل اسکان برای گردشگران در مهاباد از آنان سوءاستفاده و کلاهبرداری کرده بودند، دستگیر شدند. در پی مراجعه تعدادی از افرادی که به‌عنوان گردشگر یابرای اخذ اقدامات پزشکی به شهرستان مراجعه کردند، نیروی انتظامی سریعا به محل اعزام و افراد را شناسایی کرد. در این اخذی پنج نفر از عاملان که چهار نفر از آنان مرد و یک زن بود، دستگیر شدند. عاملان اخذی برای تهیه سوویت محل اسکان برای گردشگران با افرادی که برای مداوا به محل مراجعه کرده بودند اقدام و تهدید و اکران آنها را مورد اخذی قرار داده بودند. متهم ردیف اول دستگیر شد و متهمان دیگر شناسایی و راهی زندان شدند. □



افشین انصاری



مژگان نظری



جلال‌الدین امیدی یور